



An Evaluation of the Composite Index of Economic Justice Across Iranian Provinces

✉ **Mohammad GhaffaryFard** ¹, **Raheleh Nazari** ²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Economic Sciences, Ahlul-Bayt International University, Iran. Email: mghaffaryfard@abu.ac.ir

2. M.A. Student, Ahlul Bayt International University, Iran. Email: abusadr98@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Received: 6 December 2020

Received in revised form: 18

August 2021

Accepted: 12 July 2025

Available online: 12 July 2025

Keywords

economic justice;
composite index;
ranking; Islamic
economics.

Abstract

Economic justice concerns the equitable distribution of opportunities, privileges, and economic benefits among individuals and groups within society. Composite indices are widely used to measure economic justice because they provide comprehensive tools for assessing performance and identifying gaps between current conditions and economic goals, plans, and policies. This study aims to rank the provinces of Iran according to economic justice by applying a multi-criteria decision-making approach. The Analytic Hierarchy Process (AHP) was employed to determine the weights of the indicators, while the Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution (TOPSIS) method was used for ranking the provinces. Drawing on the theoretical framework, the composite index was developed based on the following criteria: the right to legitimate ownership, the right to fair exchange, the right to equitable share in production, the rights of the needy to public and private assets, universal access to public resources, and the rights of future generations to intergenerational resources. The results reveal that Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, North Khorasan, and Qom provinces ranked first, second, and third, respectively. Conversely, Khuzestan and Tehran ranked lowest, indicating that provinces with higher rankings demonstrate greater adherence to economic justice principles, while those with lower rankings face significant challenges in this regard. Therefore, it is recommended that policymakers focus on redesigning minimum wage policies, increasing development budgets for less-developed regions, and expanding social support programs for populations living below the poverty line to promote economic justice across the country.

Cite this article: GhaffaryFard, M., Nazari, R. (2025). An Evaluation of the Composite Index of Economic Justice Across Iranian Provinces, *Islamic Economics Doctrines*, 1(2), 121-146.

<https://doi.org/10.30513/ied.2025.2010.1061>





بررسی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی در مناطق مختلف ایران

محمد غفاری فرد^۱، راحله نظری^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. رایانامه:

mgghaffaryard@abu.ac.ir

۲. دانشجوی ارشد، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، رایانامه: abusadr98@gmail.com

چکیده

عدالت اقتصادی، چگونگی توزیع فرصت‌ها، امتیازها و بهره‌مندی‌های اقتصادی میان افراد و گروه‌های جامعه است. برای سنجش عدالت اقتصادی از شاخص‌های ترکیبی استفاده می‌شود، زیرا شاخص‌های ترکیبی سنجش‌های مناسبی برای ارزیابی عملکرد و آگاهی از فاصله وضعیت‌های فعلی با هدف‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اقتصادی هستند. هدف از تحقیق حاضر، رتبه‌بندی استان‌های ایران بر اساس عدالت اقتصادی با استفاده از الگوی تصمیم‌گیری چندمعیاره است. در این تحقیق، برای وزن‌دهی شاخص‌ها از روش تحلیلی سلسله مراتبی (AHP) و در رتبه‌بندی استان‌ها از روش تاپسیس استفاده شده است. با توجه به مبانی نظری تحقیق، جهت ایجاد شاخص ترکیبی از معیارهای حق مالکیت مشروع، حق مبادله مشروع، حق سهم‌بری عادلانه از تولید، حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی، حق دسترسی عموم به منابع عمومی و حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و قم به ترتیب مقام‌های اول، دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند و خوزستان و تهران در رده‌های آخر قرار گرفته‌اند. عدالت اقتصادی در استان‌هایی که رتبه بالایی کسب کرده‌اند، بیشتر رعایت شده است و استان‌هایی که در رده پایین قرار دارند، از عدالت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند. بنابراین، لازم است سیاست‌گذاران اقتصادی کشور جهت بهبود عدالت اقتصادی، بازطراحی سیاست‌های حداقل دستمزد، افزایش اعتبارات عمرانی مناطق کمتر توسعه‌یافته و گسترش سیاست‌های حمایتی از جمعیت زیر خط فقر را در دستور کار خود قرار دهند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

کلیدواژه‌ها

عدالت اقتصادی، شاخص ترکیبی، رتبه‌بندی، اقتصاد اسلامی.

استناد: غفاری فرد، محمد؛ نظری، راحله. (۱۴۰۴). بررسی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی در مناطق مختلف ایران، آموزه‌های اقتصاد اسلامی،

۱۴۶-۱۲۱، (۲۱)

<https://doi.org/10.30513/ied.2025.2010.1061>

مقدمه

عدالت اقتصادی یکی از اصول اساسی در اقتصاد اسلامی است. هدف نظام اسلامی، برقراری عدالت اقتصادی و عدالت اسلامی است. از این رو، تحقق و رعایت عدالت، توسعه و تداوم آن و پرورش انسان‌های عدالت‌خواه، مسئولیت حاکمان و حکومت‌های اسلامی است. عدالت اقتصادی به معنای دادن حق هر صاحب حقی در عرصه اقتصاد و توزیع منصفانه منابع، امکانات و فرصت‌ها، با در نظر گرفتن استحقاق‌های عوامل اقتصادی قبل از تولید، در فرایند تولید و پس از تولید است (شاکری و دیگران، ۱۳۹۸).

برای رصد و هدایت اقتصاد به سوی وضعیت عادلانه و مطلوب، معیارهایی برای سنجش عدالت اقتصادی ضروری است. چنین معیارهایی هم گزارش واقع‌نمایانه‌ای از وضعیت عدالت اجتماعی را به عالمان و حاکمان منتقل می‌کنند و هم تأثیر سیاست‌ها بر بهبود وضع عدالت اجتماعی را نشان می‌دهند. سنجش، ابزاری ضروری برای پیشرفت علم محسوب می‌شود. در خصوص چگونگی وضعیت عدالت یا اثرگذاری سیاست‌های مختلف بر روند عدالت، تنها با در دست داشتن سنجه‌ای کارآمد می‌توان به قضاوت نشست. در این مقاله که با هدف بررسی ابعاد عدالت اقتصادی در مناطق مختلف ایران ارائه می‌شود، از شاخص ترکیبی عدالت برای بررسی و مقایسه عملکردها استفاده می‌شود.

کنار هم قرار گرفتن شاخص‌های منفرد لزوماً به نتیجه‌گیری مشخصی منتهی نمی‌شود، یا به عبارت دیگر، اگر این پدیده‌ها مؤلفه‌های ارزیابی یک موضوع کلی‌تر و جامع‌تر (که شامل همین پدیده‌هاست) باشند، صرف قرار دادن این مؤلفه‌های مجزا در کنار یکدیگر، نتیجه‌بخش نخواهد بود. به همین دلیل، برای دستیابی به نتایج جامع‌تر، از ترکیب این شاخص‌ها استفاده می‌شود تا بتوان موضوعات و پدیده‌های جامعی را که دربرگیرنده مؤلفه‌های مختلف هستند، با هم مقایسه کرد. اگر نماگرهای ترکیبی بر چارچوب یک مدل مفهومی قوی و چندبعدی استوار شوند، می‌توانند تا حد زیادی ویژگی‌های شاخص مطلوب را دارا باشند (سیدنورانی و خاندوزی، ۱۳۹۴).

در این مقاله، ابعاد عدالت اقتصادی در مناطق مختلف ایران با استفاده از مؤلفه‌های هفت‌گانه عدالت اقتصادی (حق مالکیت مشروع، حق مبادله مشروع، حق سهم‌بری عادلانه، حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی، حق دسترسی عموم به منابع عمومی، حق نسل‌های

آتی از منابع بین نسلی، و حق استفاده بهینه از اموال) و شاخص ترکیبی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

این تحقیق که به منظور محاسبه شاخص عدالت اقتصادی تدوین شده است، در بخش نخست به پیشینه تحقیق و شاخص‌ها اشاره دارد و سپس مبانی نظری شاخص عدالت اقتصادی اسلامی را بررسی می‌کند. در بخش سوم، روش‌نماگرهای ترکیبی به‌عنوان مناسب‌ترین روش برای بازنمایی مبنای نظری فوق تشریح می‌شود، و در بخش پایانی، تحلیل شاخص‌ها و جمع‌بندی ارائه خواهد شد.

مبانی نظری تحقیق

۱. مفهوم عدالت و عدالت اقتصادی

برای عدالت، معنا و مفهوم روشن و مسلمی که همگان آن را بپذیرند وجود ندارد. در طول تاریخ، مفهوم عدالت تحولات بسیاری داشته است. در دوران‌های گذشته، عدالت بیشتر به منظور تأمین امنیت به کار می‌رفته و با کیفر و مجازات مجرمان معنا می‌شده است. به تدریج، مفهوم عدالت به معنای عدالت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی شکل گرفته است. از نظر ابن‌خلدون، عدالت به معنای تقسیم برابر سهم از خیر عمومی میان افراد، با توجه به شایستگی‌های آنان است (جمشیدی‌ها و فروشانی، ۱۳۹۵).

عدالت به معنی حد وسط و دوری از افراط و تفریط، و نیز به معنای راستی و استواری به کار رفته است. از دیدگاه امیرالمؤمنین (علی‌ع)، عدالت مایه روشنی چشم حاکمان است: «آنچه بیشتر دیده‌والیان بدان روشن می‌شود، برقراری عدالت در شهرها و پدید آمدن دوستی میان رعیت است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). عدالت را می‌توان به معنای دادن حق هر صاحب‌حقی یا قرار دادن هر چیز در جایگاه شایسته آن دانست (معمار، ۱۳۹۳).

عدالت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، حقوق نه تنها برای یک فرد، بلکه برای تمام گروه‌های اجتماعی (خانواده، جامعه و جامعه بشری) و حتی طبیعت رعایت شود. در این چارچوب، هر تصمیم، رویه، رفتار یا سیاستی که حقوق را پاس دارد، عادلانه است و اگر ناقض حقوق باشد، ناعادلانه خواهد بود. (سیدنورانی و خاندوزی ۱۳۹۱) صدر، عدالت را شرط اولیه برای

رشد ارزش‌های دیگری می‌داند که بر دو رکن تکافل عمومی و توازن اجتماعی استوار است. توازن از حیث معیشت است، نه درآمد. تکافل یعنی توجه داشتن به مصالح جامعه و هم‌فکری و یاری‌رسانی برای تحقق عدالت اجتماعی، شکوفایی استعدادها و بهره‌وری. شهید مطهری در توضیح مفهوم عدل در برابر ظلم، مفاهیمی چون موزون بودن تساوی و نفی تبعیض، اعطای حق هر صاحب حقی را برمی‌شمارد. در هر مجموعه که شامل اجزای مختلف و داری هدف خاص است، باید هر جز ارتباط صحیح با دیگری اجزا داشته باشد تا آن مجموعه دوام یابد و اثر مطلوب را بر جای گذارد. (مطهری، ۱۳۶۳) هرگاه تصمیم بر این باشد که در جامعه عدالت به عنوان یک کل بررسی شود، واژه «توازن» مناسب است. «توازن» در لغت از ماده «وزن» به معنای سنجش و اندازه‌گیری است. منظور از «توازن»، توازن افراد از لحاظ سطح زندگی، ثروت و درآمد است. به عبارت دیگر، در بین اعضای جامعه از نگاه سطح زندگی، درآمد و ثروت تفاوت فاحش وجود نداشته باشد. (رجایی، ۱۳۹۲)

رالنز عدالت را به شکل ساختاری بنیادین در جامعه مطرح می‌کند و دو اصل عدالت را بیان می‌نماید: اصل اول: هر فرد باید سهمی مساوی نسبت به گسترده‌ترین نظام جامع آزادی‌های اساسی برابر، همخوان با یک نظام، مانند آزادی برای همه داشته باشد؛ اصل دوم: مدیریت نابرابری‌های اجتماعی.

الف) رسیدن به موقعیتی که در آن فرصت‌ها و امکانات برای همه برابر باشد، عدالت حقوقی و عدالت اقتصادی است که باید طوری سازماندهی شود که هر دو مورد محقق شود.

ب) باعث منفعت بیشتر برای کم‌درآمدترین افراد، سازگار با اصل پس‌انداز عادلانه گردد. عدالت اقتصادی به معنی مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است. (عبدالملکی، زاهدی‌وفا، گلدوزها، ۱۳۹۱) مفهوم عدالت اقتصادی چگونگی توزیع فرصت‌ها، امتیازها و بهره‌مندی‌های اقتصادی افراد و گروه‌های جامعه است. (معلمی، ۱۳۹۴) عدالت اقتصادی و عدالت فردی از مصادیق عدالت حقوقی است، زیرا در هر موردی که حق مطرح باشد، عدالت نیز معنا می‌یابد. بدون ارزیابی و شناخت دقیق «حق» امکان قضاوت درست در مورد عدالت وجود ندارد. در همین راستا، تفسیر عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام به تبیین سه نکته اساسی زیر نیاز دارد:

۱. ارتباط حق با عدالت؛

۲. شناختن حق و تحلیل آن؛

۳. حقوق اقتصادی.

الف) ارتباط حق با عدالت

زمانی که بین حاکمیت و مردم حقوق متقابل رعایت شود، بستر عدالت اقتصادی نیز فراهم می‌شود. بنابراین حاکمیت باید در ساحت روابط اجتماعی حقوق مردم را رعایت کند و مردم نیز متقابلاً باید حقوق حاکمیت را رعایت کنند تا عدالت اجتماعی شکل گیرد. حقوق مردم بر حاکمیت این است که فراهم کردن زمینه تعلیم و تربیت برای مردم، حفظ امنیت ملی، توسعه اقتصادی - اجتماعی، مبارزه با فقر و تأمین حداقل معیشت برای قشرهای آسیب پذیر است. حقوق حاکمیت بر مردم این است که مالیات بدهند، به قوانین احترام بگذارند، از سیاست‌های گوناگون حاکمیت تبعیت کنند و در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند.

ب) شناختن حق و تحلیل آن

همان‌طور که گفته شد، مبنای عدالت رعایت حقوق متقابل حاکمیت و ملت است. می‌توان این حقوق را به عام و خاص تقسیم کرد.

۱. حق عام

حق عام برای تمام افراد جامعه مساوی است. همه به طور مساوی حق دارند جهت ادامه حیات و افزایش رفاه خود به عمرانی و آبادانی بپردازد و بر اساس این حق هر کس می‌تواند وارد میدان کار شود و از منابع طبیعی استفاده نماید و برحسب تلاش خود، مالکیت خصوصی کسب نماید.

۲. حق خاص

مالکیت خصوصی در رابطه با ثروت‌های طبیعی بر مبنای انجام کاری اقتصادی کسب می‌شود، مانند احیا، حیازت و دستمزد که بر اساس کار جهت تولید و خدمات دریافت می‌گردد. نکته بنیادین که در تحلیل حق خاص و عام وجود دارد این است که بدون مسئولیت و تکلیف، هیچ حقی وجود ندارد. بنابراین حق و مسئولیت جدا از همدیگر نیستند. درباره حقوق همگانی، برای مثال حق بهره‌برداری برای تمام افراد جامعه از منابع طبیعی یکسان است، به گونه که استفاده از این حق با مسئولیت همراه است. هیچ کس حق ندارد به حق عام خسارت وارد کند.

ج) حقوق اقتصادی متقابل بین حاکمیت و ملت

وظیفه حکومت اسلامی است که حقوق اقتصادی زیر را در ساحت اقتصاد جامعه مورد توجه

قرار دهد:

۱. نگهداری از محیط زیست

بخش خصوصی به شرطی می‌تواند به تولید کالا و خدمات با استفاده از منابع طبیعی بپردازد که به محیط زیست آسیب نرساند. سلامت زیست محیطی و حفظ آن برای نسل‌های آینده، مسئولیت حاکمیت است.

۲. حفظ محیط زیست

در جریان تولید کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی، استفاده از منابع طبیعی مشروط به حفظ محیط زیست می‌باشد. که سلامتی زیست محیطی و حفظ آن برای نسل‌های آینده، مسئولیت حاکمیت است.

۳. تولید کالاهای عمومی

کالاهای عمومی، مانند امنیت ملی، خدمات قضایی، دفاع از حقوق ملی، تعلیم تربیت همگانی و خدماتی از این قبیل وظیفه حاکمیت محسوب می‌شود.

۴. تأمین زیرساخت‌های توسعه

فرایند توسعه در جامعه، در سایه تأمین زیرساخت‌های آن تشکیل می‌شود. تأسیس مراکز علمی، فرهنگی و تحقیقاتی برای تربیت نیروی انسانی مناسب، راه‌های مواصلاتی و مخابرات، احداث صنایع سنگین که در توان بخش خصوصی نیست، بهداشت و درمان فراگیر، تأمین اجتماعی همگانی، گسترش منابع اطلاع‌رسانی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری آینده و سوددهی آن‌ها و خارج کردن اطلاعات درآمدزا از وضعیت انحصاری، بستر اقتصادی - اجتماعی توسعه را فراهم می‌سازد.

۵. توازن درآمد جامعه

بدون شک فاصله فاحش بین قشرهای جامعه، باعث دوری آنان از همدیگر و بی‌توجهی اغنیا به مشکلات و دردهای مردم می‌شود. این بی‌توجهی‌ها موجب می‌شود عقده‌ها و کینه‌ها افزایش پیدا کند و در نتیجه، باعث فروپاشی و بی‌اتحادی جامعه خواهد شد. اگر تمام ثروت در دست عده‌ای سرمایه‌دار انباشته شود، عده‌ای دیگر از مردم جامعه به محرومیت دچار خواهند شد. وظیفه دولت در چنین وضعیتی برقراری عدالت میان اغنیا و محرومان است. از نظر اسلام، اجرای

حقوق اقتصادی متقابل بین حاکمیت و ملت (بخش عمومی و دولتی)، عدالت اقتصادی را دنبال دارد. (نظری ۱۳۸۲، ص ۱۰) در قرآن کریم نظریه عدالت اقتصادی در دو بُعد اساسی بیان شده است که از این قرارند:

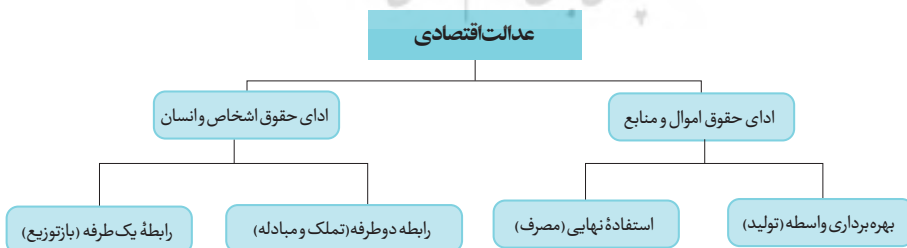
الف) رعایت حقوق امکان و اموال که در قرآن در رابطه با این بعد از عدالت با کلمه «شکر» و از موقعیت‌های ناعادلانه با کلمه «کفران» یاد شده است. چگونگی مواجهه انسان با منابع بالقوه که به ما فرصت و امکان بهره‌برداری می‌دهد در عدالت اقتصادی دارای حقوق است. مواجهه نادرست انسان با منابع، اموال و امکان‌ها در قرآن کریم با واژه کفران بیان شده است.

ب) رعایت حقوق و استحقاق افراد و جامعه که قرآن در مورد این بعد عدالت واژه «قسط» و گاه کلمه «عدل» و در شرایط نبود عدل یا نقض حقوق انسانی، کلمه «ظلم» را به کار برده است. بنابراین می‌توان صراحتاً گفت که جامعه عدالت مدار قرآنی از هرگونه ظلم و کفران خالی است، جامعه‌ای که در آن تمام موقعیت‌های زندگی بر مدار رعایت حقوق اشخاص تنظیم شده است. عدالت انسانی یا مناسبات اقتصادی اشخاص به دو شکل صورت می‌گیرد:

۱. مناسبات اقتصادی دوطرفه (مبادله)؛

۲. مناسبات اقتصادی یک طرفه (باز توزیع).

روابط دوسویه نوعی دادوستد را شامل می‌شود که دارای نفع برای دو طرف است، مانند بازار محصولات (کالا و خدمات با بهای خرید)، بازار کار (مبادله کار با مزد) و بازارهای مالی (مبادله سرمایه با سود) که هر کدام از این معاملات دارای مناسبات دوسویه هستند؛ یعنی هر دو طرف از این معامله سود می‌برند. روابط یک طرفه به آن دسته از مناسبات اقتصادی گفته می‌شود که تنها یک طرف سود می‌برد، مانند به دست آوردن مال در قالب ارث و یارانه‌های دولتی.



نمودار ۱. ابعاد عدالت اقتصادی در الگوی اسلام

مأخذ: سیدنورانی و خاندوزی ۱۳۹۱.

مواجهه اقتصادی با اموال و منابع دو صورت کلی دارد:

۱. برای ساخت یک محصول کامل‌تر از آن‌ها استفاده مولد می‌شود (تولید)؛

۲. از آن‌ها به عنوان کالای نهایی بهره‌گیری می‌شود (مصرف).

بر اساس نظریه منتخب، حقوق و تکالیف اقتصادی با الهام از آموزه‌های قرآن، در چهار دسته بیان شده است که در جدول زیر مشاهده می‌شود. شاخص عدالت بر این اساس این ابعاد محاسبه خواهد شد.

حوزه حق	فهرست حقوق و تکالیف
حوزه تملک و مبادله	۱. بهره‌برداری از منافع مالکیت خصوصی مشروع حق اشخاص و رعایت حقوق مالکیت تکلیف همه مردم جامعه.
	۲. بهره‌برداری از منافع مالکیت‌های عمومی حق جامعه و رعایت مالکیت عمومی تکلیف همه مردم جامعه.
	۳. حق اشخاص در انتقال رضایتمندانه اموال خود و جلب رضایت طرف مبادله تکلیف دیگران.
	۴. برخورداری از ثمرات مبادله، حق اشخاص و پایبند بودن به قرارداد و تعهد تکلیف دیگران.
	۵. حق اشخاص به ستانده مابازای واقعی در مبادله؛ ممنوعیت اکل مال به باطل (قمار و ربا و...) غرر و ضرر.
حوزه تولید	۱. بهره‌برداری از منافع تولید خود متناسب با کار و دانش و پرداخت دستمزد و ارتقا بر اساس کار و دانش
	۲. بهره‌مندی مشروع از منابع خود حق جامعه و استفاده نامشروع از منابع ممنوع.
	۳. کسب بهترین بازدهی از منابع خود حق جامعه و عدم اتلاف و تبذیر در تولید تکلیف آن.
	۴. بهره‌برداری از منابع طبیعی حق نسل‌های آتی و مراعات این حق تکلیف همه مردم جامعه.
حوزه بازتوزیع	۱. دسترسی به اموال عمومی حق همه افراد جامعه و فراهم کردن فرصت دسترسی در اموال عمومی تکلیف حکومت.
	۲. حق فقرا در اموال عمومی و حکومتی و در اموال ثروتمندان و تکلیف توانگران و همچنین حکومت به تأمین و تکافل فقیران تا سرحد کفاف و کرامت.
حوزه مصرف	۱. استفاده از منابع حق جامعه و عدم اتلاف و اسراف در مصرف تکلیف همه افراد جامعه.

جدول ۱. فهرست حقوق و تکالیف اقتصادی در قرآن

مأخذ: سیدنورانی و خاندوزی ۱۳۹۱

جدول بالا در رابطه با حقوق اقتصادی می‌تواند راهنمای خوبی برای تعیین شرایط سیاست‌گذاری عادلانه در اقتصاد کشور باشد و در صورت استفاده، برای از بین بردن فقر کمک بزرگی خواهد کرد و همچنین امکان بررسی و سنجش تأثیر قوانین و مقررات بر بهبود وضعیت عدالت اقتصادی بر اساس نظام‌نامه حقوق اقتصادی فراهم می‌شود.

بنابراین، می‌توان عدالت اقتصادی را رعایت حقوق اقتصادی، چگونگی توزیع فرصت‌ها، امتیازها و بهره‌مندی‌های اقتصادی افراد و گروه‌های جامعه تعریف نمود.

پیشینه تحقیق

در ایران مطالعات زیادی در رابطه با عدالت به طور عام و در رابطه با شاخص‌های عدالت به طور خاص صورت گرفته است.

رجایی (۱۳۹۲) در مقاله «مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی» عدالت اقتصادی یک بسته است تمرکز آن تنها به روی فقر مطلق نیست، و ثروت را تنها مربوط به اغنیا نمی‌داند، در سطح زندگی عمومی مصرف بیشتر از نیاز را نمی‌پذیرد و در عین حال، نسبت به بخشش‌های الهی و عوامل تولید، «وضع الشیء فی موضعه» را مبنای کار خود قرار می‌دهد، چراکه پیوندی ناگسستنی میان توزیع و مصرف برقرار است. او در رابطه با عدالت اقتصادی سه شاخص پیشنهاد کرده است: «شاخص نسبت خانواده‌های در محدوده کفاف به کل خانواده‌ها»، «شاخص‌های نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان»، «شاخص نسبت اتفاقات به ظرفیت اتفاقات جامعه».

شاکری و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی در ایران»، عدالت اقتصادی را «دادن حق هر صاحب حقی در عرصه اقتصاد و توزیع منصفانه امکانات و فرصت‌ها با در نظر گرفتن استحقاق‌های عوامل اقتصادی قبل از تولید، در فرایند تولید و پس از تولید» تعریف می‌کند و درصدد بیان شاخصی است که بر اساس آن بتوان معیار یکسانی برای سنجش میزان عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی ارائه کرد. به همین منظور مؤلفه‌های، توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به نسل‌های آینده، توجه به نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت، توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه را برای شاخص ترکیبی عدالت بیان می‌کند

عیوضلو و کریمی ریزی (۱۳۹۴) در مقاله خود ایجاد امکان برخورداری یکسان از کالاها و مواهب اولیه برای همه افراد را عدالت اقتصادی عنوان می‌کنند و معیار عدالت را در مالکیت عمومی، حق برخورداری برابر می‌دانند و در مالکیت خصوصی شایستگی را معیار عدالت

قرار می‌دهد. در این مقاله آمده است که در مالکیت‌های دولتی، اعتدال اقتصادی را برای واگذاری‌ها باید در نظر گرفت و همچنین به اصل کارایی فنی و عدم اسراف توجه کرد تا استعدادها و اموال در جای خود قرار گیرند.

رجائی و معلمی (۱۳۹۰) در مقاله «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن» مفهوم عدالت اقتصادی را در چهار معنی بیان می‌کنند: تساوی، دادن حق هر صاحب حق به آن، عدم تفاوت فاحش درآمدی و اعتدال. آن‌ها برای شاخص ترکیبی سنجش عدالت، شاخص‌های برابری و مساوات در توزیع فرصت‌ها، شاخص قیمت بازاری در توزیع کارکردی، شاخص حد کفاف در رعایت حقوق نیازمندان و شاخص اعتدال در به‌کارگیری عوامل تولید و مصرف، شاخص بهره‌وری و عدم اسراف در تولید و سرمایه‌گذاری را پیشنهاد می‌کنند. شاکری و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی» تلاش می‌کنند شاخصی تدوین نمایند تا بر اساس دیدگاه‌های متمایز و پراکنده در زمینه عدالت اقتصادی را سامان دهند و معیاری یکسان برای سنجش میزان عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی ارائه نمایند.

حسینی (۱۳۸۷) در مقاله «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام» به نقد و بررسی نظریه شهید صدر در رابطه با معیارهای عدالت اقتصادی می‌پردازد که در نتیجه، مناسب‌ترین کار درباره عدالت اقتصادی را نخست رعایت کامل حقوق اقتصادی افراد و دولت در مراحل مختلف توزیع و... می‌داند که به شکل معیار عدالت محسوب می‌شود؛ دوم تأمین زندگی فقیران در حد کفاف به صورت نتیجه‌های سیاست‌های اقتصادی را در رأس دغدغه دولت قرار می‌دهد؛ سوم با به‌کارگیری راهکارهای اخلاقی مانند انفاق‌های مستحبی، مبارزه با اسراف و اتراف و تشویق به ساده‌زیستی، جامعه را به سمت توازن بیشتر در توزیع درآمد، ثروت و امکانات مصرفی سوق می‌دهد.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۴) در مقاله «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران» شاخص ترکیبی جدیدی را برای عدالت اقتصادی معرفی می‌کند که دارای هفت مؤلفه است: حق مالکیت مشروع، حق مبادله مشروع، حق سهم‌بری عادلانه از تولید، حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی، حق دسترسی عموم به منابع عمومی، حق

نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی، حق استفاده بهینه از اموال. شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر از این مقاله گرفته شده است.

عیوضلو (۱۳۸۴) در مطالعات خود با عنوان «عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی» به شناسایی و معرفی قواعد و روابط اصلی نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، به مثابه رکن اساسی نظام اقتصاد اسلامی و تطبیق قواعد و معیارهای عدالت و کارایی آن پرداخته است. مرکل و جیبِلر (۲۰۰۹) در تحقیق خود تحت عنوان «سنجش عدالت اجتماعی و حاکمیت پایدار در OECD» دو اصل اساسی توزیع برابر کالاهای اولیه و فرصت‌های برابر در توسعه توانایی‌ها را بیان می‌کند و برای عدالت هفت معیار معرفی می‌کند: پیش‌گیری از فقر، آموزش و پرورش، کار، جبران عمومی، توزیع درآمد، عدالت بین نسلی و تبعیض. (Merkel & Giebler, 2009, p.87)

انسته و ویس (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان «دیده‌بانی عدالت بین‌المللی ۲۰۱۳» ضمن بیان شاخص عدالت برای سنجش عدالت در یک کشور، شاخصی ترکیبی برای محاسبه عدالت ارائه داده‌اند که شامل شش بُعد از ابعاد عدالت، یعنی عدالت توزیعی، عدالت عملکرد، فرصت‌های برابر، برابری درآمد، عدالت رویه‌ای و عدالت بین نسلی می‌شود. (Enste & Wies, 2013, p16)

اسچراد تیچلر و اسچیلر (۲۰۱۷) در گزارشی «عدالت اجتماعی در اروپا - گزارش شاخص ۲۰۱۷» شاخصی ترکیبی از عدالت اجتماعی ارائه کرده است که از شش شاخص تشکیل می‌شود: شاخص پیشگیری از فقر، آموزش عادلانه، دسترسی به بازار کار، انسجام اجتماعی و برابری و عدالت بین نسلی است. (schraad-Tischlar, 2015, p8)

با توجه تحقیقات انجام شده، مشخص می‌شود شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد شاخص تلفیقی (تحلیل سلسله‌مراتبی - تاپسیس) در بین استان‌های ایران از نوآوری‌های این تحقیق است.

روش تحقیق

موضوع اصلی این تحقیق، بررسی شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی استان‌های مختلف ایران است. این بررسی مبتنی بر شیوه‌ای کتابخانه‌ای و اسنادی و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های استفاده شده در این تحقیق از سالنامه آماری استان‌ها و آمارهای رسمی اعلام شده

از طرف وزارت امور اقتصاد و دارایی و سازمان ثبت احوال کشور اخذ شده است. در این مقاله برای سنجش عدالت اقتصادی در استان‌های ایران، از شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی که متشکل از هفت مؤلفه (حق مالکیت مشروع، حق مبادله مشروع، حق سهم‌بری عادلانه، حق مبادله نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی، حق دسترسی عموم به منابع عمومی، حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی، حق استفاده بهینه از اموال) تشکیل شده است و نماگرهای ترکیبی عدالت اقتصادی استفاده می‌شود. برای وزن‌دهی مناسب به مؤلفه‌های ذکر شده از روش AHP استفاده می‌شود و در مرحله بعد، با استفاده از روش تاپسیس (TOPSIS) امتیاز استان‌ها تعیین شده و رتبه‌بندی می‌شوند.

۲. شاخص‌های ترکیبی عدالت اقتصادی

در این مقاله، از هفت مؤلفه عدالت اقتصادی بر اساس ادبیات علمی به منظور بررسی و محاسبه عدالت اقتصادی در استان‌های ایران استفاده شده است. برای هر مؤلفه عدالت، از مراجع رسمی آماری کشور، نماگرهای مرتبط به آن انتخاب شده است. مؤلفه‌های عدالت بدین شرح است:

- حق مالکیت مشروع: (نقض مالکیت) نماگرهای مرتبط با آن عبارت‌اند از تعداد پرونده‌های سرقت، کلاهبرداری، تصرف عدوانی و جرائم مشابه.
 - حق مبادله مشروع: (عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی) نماگر مرتبط با آن نسبت چک‌های بلامحل به کل چک‌ها است.
 - حق سهم‌بری عادلانه از تولید: نماگر مرتبط با آن نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار است.
 - حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی: نماگر مرتبط با آن درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق است.
 - حق دسترسی عموم به منابع عمومی: نماگر مرتبط با آن اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها است.
 - حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی: نماگر مرتبط با آن سهم صادرات خام فروشی معادن و منابع طبیعی از صادرات است.
 - حق استفاده بهینه از اموال: نماگر مرتبط با آن سطح بهره‌وری کل عوامل تولید است.
- روش نظرسنجی از نظر متخصصان مورد قناعت بیشتری در جامعه علمی واقع می‌شود، به‌ویژه اگر

ممتازترین اندیشمندان آن حوزه در این دلفی شرکت کنند. ما در این تحقیق از شیوه سوم، یعنی دلفی دومرحله‌ای خبرگان استفاده کرده‌ایم که از امتیاز بیشتری در خصوص موضوعات تخصصی نسبت به روش‌های سنتی پیمایش برخوردار است. در این راستا، پرسشنامه تعیین وزن مؤلفه‌های عدالت اقتصادی را برای ۳۵ نفر از کارشناسان ذی صلاح ارسال کردیم. به ۲۲ پرسشنامه پاسخ داده شد که این عدد برای اعتبار دلفی متخصصان کافی است. در خصوص تعداد مناسب گروه خبرگان در روش تحقیق، عددی بین ۱۰-۱۸ خبره را کافی دانسته‌اند. (Okoli and Pawlowski, 2004)

صلاحیت‌های مدنظر برای ارسال پرسشنامه عبارت بود از:

- داشتن مدرک دکتری یا اجتهاد حوزوی؛
- داشتن تخصص در حوزه مطالعات عدالت اقتصادی؛
- داشتن آشنایی نسبی با مبانی اقتصاد اسلامی.

۳. معرفی مدل و شیوه محاسبه

اولین بار روش تاپسیس توسط هوانگ یونگ در سال ۱۹۸۱ معرفی شد. این روش یکی از بهترین روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه است که در این روش m گزینه به وسیله n شاخص ارزیابی می‌شوند. (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶) اساس این روش، انتخاب گزینه‌ای است که کمترین فاصله را با جواب ایدئال مثبت و بیشترین فاصله را با جواب ایدئال منفی داشته باشد. (باستانی و رزمی، ۱۳۹۳، ص ۶۷)

مراحل روش مذکور قرار ذیل است:

۱. تشکیل ماتریس تصمیم مسئله؛
۲. تشکیل ماتریس بی‌مقیاس شده؛ ماتریس تصمیم‌گیری به کمک نرم‌اقلیدسی به روش زیر به یک ماتریس بی‌مقیاس تبدیل می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

۳. تشکیل ماتریس ضرایب؛ در این مرحله وزن هر شاخص را با استفاده از روش AHP مشخص می‌شود.

۴. ایجاد ماتریس بی‌مقیاس وزین با مفروض بودن بردار w عنوان ورودی الگوریتم:

$$v = N_D * W_{(n*n)}$$

۵. مشخص نمودن جواب ایدئال منفی برای هر شاخص؛ لازم به ذکر است که در روش خطی ایدئال مثبت هر شاخص برابر با مقدار حداکثر (max) آن و ایدئال منفی هر شاخص برابر با حداقل (min) آن شاخص است.

۶. به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایدئال مثبت و منفی؛ برای محاسبه می‌توان از فاصله اقلیدسی استفاده کرد. فاصله اقلیدسی هر گزینه تا ایدئال مثبت و منفی بر اساس فرمول‌های ذیل محاسبه می‌شود.

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_{ij}^+)^2}$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_{ij}^-)^2}$$

۷. محاسبه نزدیکی نسبی هر گزینه به ایدئال‌ها (CL*)

$$CL_i^* = \frac{d_i^-}{d_i^+ - d_i^-}$$

۸. رتبه‌بندی گزینه‌ها: هر گزینه که CL* آن بزرگ‌تر باشد بهتر است. (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷)

یافته‌های تحقیق

۴. شاخص‌های ترکیبی عدالت اقتصادی

در این مقاله از هفت مؤلفه عدالت اقتصادی بر اساس ادبیات علمی و به منظور بررسی و محاسبه عدالت اقتصادی در استان‌های ایران می‌شود. برای هر مؤلفه عدالت، از مراجع رسمی آماری کشور نماگرهای مرتبط به آن انتخاب شده است. مؤلفه‌های عدالت قرار ذیل است:

- حق مالکیت مشروع: (نقض مالکیت) نماگرهای مرتبط با آن عبارت‌اند از تعداد پرونده‌های سرقت، کلاهبرداری، تصرف عدوانی و جرائم مشابه.
- حق مبادله مشروع: (عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی) نماگر مرتبط با آن نسبت چک‌های بلامحل به کل چک‌ها است.

- حق سهم‌بری عادلانه از تولید: نماگر مرتبط با آن نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار است.
 - حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی: نماگر مرتبط با آن درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق است.
 - حق دسترسی عموم به منابع عمومی: نماگر مرتبط با آن اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها است.
 - حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی: نماگر مرتبط با آن سهم صادرات خام‌فروشی معادن و منابع طبیعی از صادرات است.
 - حق استفاده بهینه از اموال: نماگر مرتبط با آن سطح بهره‌وری کل عوامل تولید است.
- حال وزن هر یک مؤلفه‌های هفت‌گانه عدالت اقتصادی را در شاخص کل مشخص می‌کنیم. در این قسمت سه روش وجود داشت: قاعده وزن یکسان، وزن‌دهی بر مبنای تئوریک، وزن‌دهی با نظر متخصصان. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که وقتی ابعاد مختلف یک متغیر یا مفهوم در شاخص واحدی جمع می‌شوند، بهترین روش دادن وزن یکسان برای ابعاد آن است، زیرا هر نوع ارجحیت یک یا چند وجه بر دیگر وجوه، می‌تواند مورد اعتراض واقع شود. (Atkinson, 2003)
- با توجه به نظر خبرگان، برای شاخص‌های عدالت اقتصادی در استان‌های ایران در جدول ۱ رتبه‌بندی و ارزش وزنی تعیین شده که با نرخ ناسازگاری (۰/۰۳) تأیید شده است.

ردیف	نام شاخص	ارزش وزنی	رتبه
۱	حداقل دستمزد به بهره‌وری نیروی کار	0.256	1
۲	اختلاف بودجه عمرانی سرانه استان‌ها	0.239	2
۳	جمعیت زیر خط فقر مطلق	0.176	3
۴	صادرات خام‌فروشی معادن و منابع طبیعی از کل صادرات	0.149	4
۵	چک‌های بلامحل به کل چک‌ها	0.109	5
۶	پرونده‌های سرقت	0.071	6

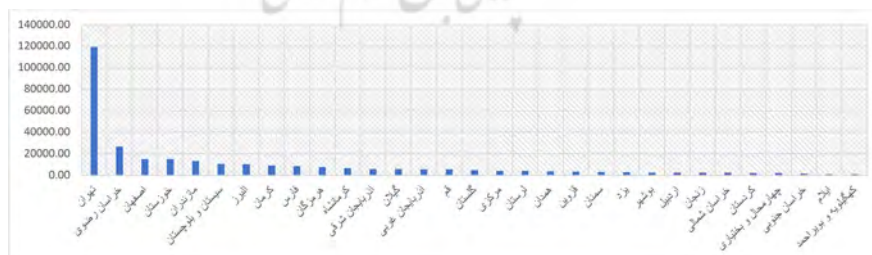
جدول ۲. رتبه‌بندی شاخص‌های عدالت اقتصادی استان‌های ایران

۱. نرخ ناسازگاری شاخصی است که مقدار آن نشان‌دهنده تناقضات و ناسازگاری‌های احتمالی در ماتریس مقایسات زوجی است. بنابراین نظر آقای ساعتی، بنیانگذار روش AHP، چنانچه نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد، سازگاری ماتریس مقایسات مورد تأیید و پذیرفتنی است، اما در صورتی که نرخ ناسازگاری بزرگتر از ۰/۱ باشد، نشان‌دهنده تناقض در ارزیابی‌ها و قضاوت‌های خبرگان است.

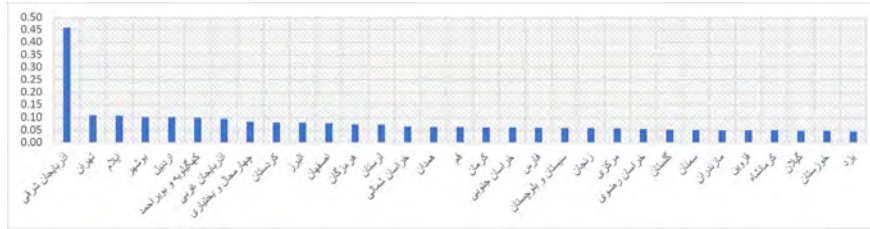
در خصوص عدالت اقتصادی، نتایج جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه حاکی از آن بود که غیر از مؤلفه «پرونده‌های سرقت»، دیگر مؤلفه‌های حقوق اقتصادی امتیاز بالا و نزدیکی را کسب کرده‌اند. در این اولویت‌بندی مشخص شده است که شاخص حداقل دستمزد به بهره‌وری نیروی کار از ترجیح بیشتری برخوردار است و رتبه اول را از آن خود کرده است. این امر به این معناست که اگر دولت جمهوری اسلامی ایران مشکلاتی را که در رابطه با دستمزدها وجود دارد حل کند، عدالت اقتصادی بیشتر رعایت خواهد شد. همین‌طور بر اساس نظریه خبرگان، اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها رتبه دوم و جمعیت زیر خط فقر مطلق در رتبه سوم قرار دارد که دولت باید برای رعایت عدالت اقتصادی به آن‌ها توجه کند. به همین ترتیب، پرونده‌های سرقت رتبه آخر را کسب کرد؛ یعنی در بین شش مؤلفه که با توجه به نظرات خبرگان بررسی شده است، پرونده‌های سرقت کمترین معضل را دارند و تأثیر کمتری بر عدالت اقتصادی دارد.

گام پایانی برای سنجش شاخص کل، ترکیب هفت نماگر از معیارهای عدالت اقتصادی است که به دلیل در دست نداشتن داده بهره‌وری کل عوامل تولید در استان‌ها، تنها از ترکیب شش نماگر برای سنجش عدالت اقتصادی استفاده شده است. در این مرحله، با توجه به جهت نماگرها ابتدای نامی آن‌ها در جهت نمایش عدالت اقتصادی در استان‌های ایران به صورت جداگانه در گراف‌های ذیل نمایش داده می‌شود.

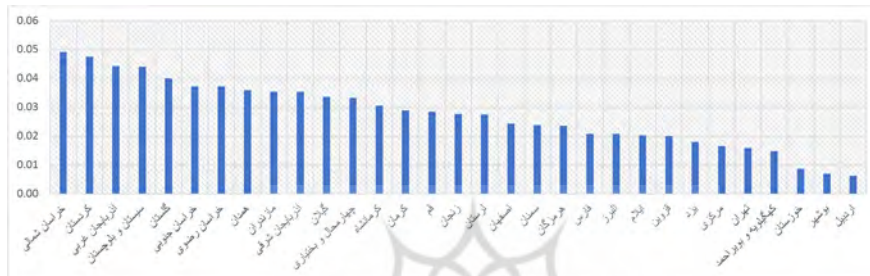
نماگر سرانه سرقت، نسبت صدور چک‌های بلامحل از کل چک‌ها، جمعیت زیر خط فقر، نسبت صادرات خام فروشی معادن و منابع طبیعی به کل صادرات، چهار شاخص منفی هستند که به همین دلیل، در ماتریس تصمیم‌گیری به صورت معکوس وارد شده‌اند.



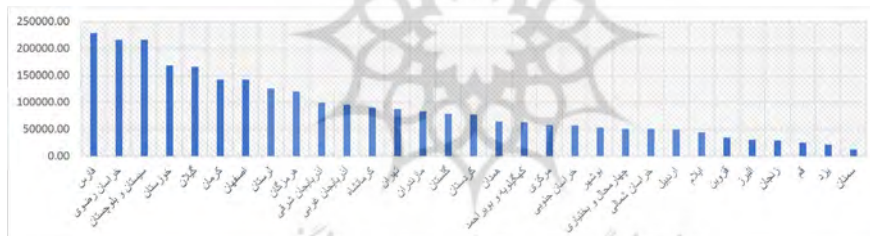
نمودار ۲: تعداد پرونده‌های سرقت



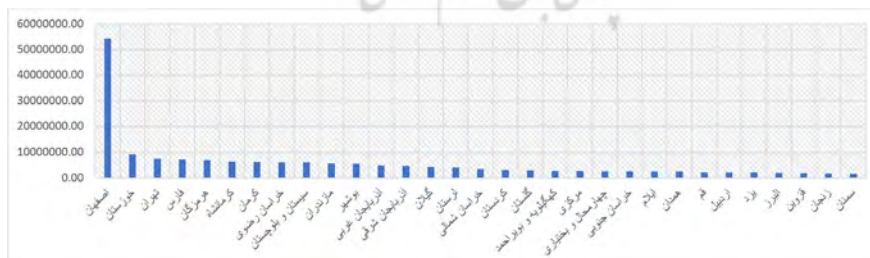
نمودار ۳: نسبت صدور چک‌های بلامحل به کل چک‌ها



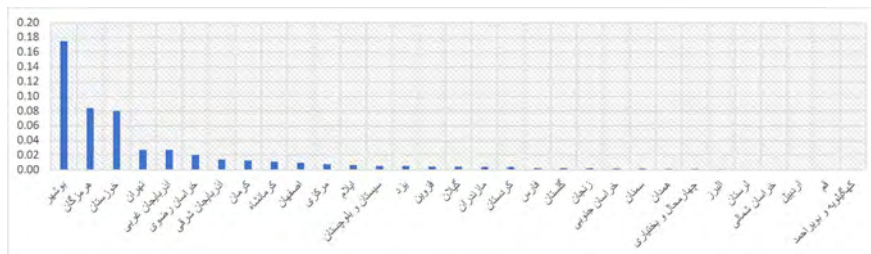
نمودار ۴: نسبت حداقل دستمزد به بهره‌وری نیروی کار هر استان



نمودار ۵: جمعیت زیر خط فقر



نمودار ۶: اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها



نمودار ۷: نسبت صادرات خام‌فروشی معادن و منابع طبیعی به صادرات استان‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق (بر اساس اطلاعات آماری، درگاه ملی آمار، سالنامه و بانک مرکزی ایران)

نماگرهای بالا نشان‌دهنده آمارهای هر شاخص بر اساس استان‌ها هستند. این نماگرها شاخص‌های عدالت به صورت جداگانه در هر استان را بیان می‌کنند و نشان می‌دهند که هر استان در هر نماگر از چه وضعیت آماری‌ای برخوردار است.

حال برای سنجش عدالت اقتصادی در استان‌ها، نماگر نهایی شاخص‌ها را که از ترکیب تمام این نماگرها به دست آمده است معرفی می‌کنیم. برای به دست آوردن نماگر ترکیبی، در ابتدا تمام داده‌های نماگرها را که از سایت‌های مختلف و درگاه‌های گوناگون (سالنامه، جمعیت، نیروی کار و...) ایران به دست آمده است، وارد ماتریس تصمیم‌گیری می‌کنیم که به صورت ذیل در جدول ارائه می‌شود:

استان	ماتریس تصمیم‌گیری					
	حق مالکیت مشروع	حق مبادله مشروع	حق سهم‌بری عادلانه	حق مبادله نیازمندان در عمومی و خصوصی	حق دسترسی عموم به منابع عمومی	حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی
	نسبت سرانه به کل استان	نسبت سرانه به کل استان	نسبت سرانه به کل استان	نسبت سرانه به کل استان	نسبت سرانه به کل استان	نسبت سرانه به کل استان
آذربایجان شرقی	۶۵۷,۳۰	۲,۱۸	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۱۰۵۲۹	۱,۲۵	۶۹,۳۰
آذربایجان غربی	۵۸۱,۵۲	۱,۰۵۰	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۱۰۴۱۳۴	۱,۵۰	۳۶,۴۸
اردبیل	۴۸۶,۱۹	۱,۰۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰۰۰۲۰۱۳۸۵	۱,۷۹	۲۸۱۲,۱۶
اصفهان	۳۳۵,۶۶	۱۲,۸۴	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۰۷۰۴۰۴	۱,۰۶۲	۱۰۴,۲۱
البرز	۲۵۷,۹۶	۱۲,۴۰	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۳۲۴۱۹۱	۰,۷۷	۱۰۲۱,۶۰

ایلام	۵۱۸,۹۲	۹,۴۳	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۲۲۴۰۶۹	۴,۳۲	۱۴۱,۲۴
بوشهر	۴۳۶,۵۵	۹,۹۶	۰,۰۱	۰,۰۰۰۰۱۸۷۵۸۵	۴,۸۲	۵,۷۲
تهران	۱۱۱,۱۹	۹,۳۱	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۱۸۷۵۸۵	۰,۵۷	۳۶,۲۰
چهارمحال و بختیاری	۴۴۰,۸۲	۱۱,۸۶	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۱۹۵۴۸۸	۲,۸۲	۷۸۸,۵۸
خراسان جنوبی	۴۴۸,۶۰	۱۶,۰۷	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۱۷۲۹۴۲	۳,۴۳	۴۷۵,۷۲
خراسان رضوی	۲۴۱,۴۴	۱۷,۷۹	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۰۴۶۱۱۶	۰,۹۶	۴,۹۳
خراسان شمالی	۳۵۷,۹۸	۱۵,۲۷	۰,۰۵	۰,۰۰۰۰۱۹۷۴۸۴	۴,۱۶	۲۳۰,۰۷
خوزستان	۳۰۹,۳۱	۲۱,۰۶	۰,۰۱	۰,۰۰۰۰۰۵۹۱۱۰	۱,۹۹	۱۲,۴۳
زنجان	۴۲۷,۷۸	۱۶,۸۸	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۳۴۲۹۹۴	۱,۷۹	۴۵۶,۷۲
سمنان	۲۲۷,۱۵	۱۹,۵۰	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۰۷۵۷۸۶۳	۲,۳۹	۵۸۹,۶۶
سیستان و بلوچستان	۲۵۷,۰۵	۱,۶۹	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۰۴۶۱۸۳	۲,۲۰	۱۷۶,۲۰
فارس	۵۷۱,۷۵	۱۶,۴۱	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۰۴۳۶۵۴	۱,۵۲	۴۲۴,۱۴
قزوین	۳۵۴,۷۱	۱۹,۶۸	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۰۲۸۶۰۴۱	۱,۵۵	۲۰۵,۳۸
قم	۲۳۱,۳۴	۱۵,۸۱	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۰۴۰۰۶۷۳	۱,۷۷	۵۰۴,۷۰۳
کردستان	۶۹۴,۳۸	۱۲,۳۵	۰,۰۵	۰,۰۰۰۰۱۲۸۴۶۵	۱,۹۸	۲۳۴,۸۸
کرمان	۳۴۵,۰۴	۱۵,۹۹	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۱۲۸۴۶۵	۲,۰۰	۷۶,۶۴
کرمانشاه	۲۸۷,۰۶	۱۹,۸۷	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۱۱۰۱۹۲	۳,۲۹	۹۰,۴۷
کهگیلویه و بویراحمد	۹۸,۷۳	۱۰,۲۵	۰,۰۱	۰,۰۰۰۰۱۵۷۱۵۸	۳,۹۳	۲۰۴۲۶,۰۹
گلستان	۴۰۲,۶۸	۱۸,۹۴	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۱۲۶۱۴۱	۱,۵۹	۴۵۴,۵۶
گیلان	۴۴۰,۳۱	۲۰,۸۹	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۰۶۰۰۵۹	۱,۷۸	۲۲۳,۱۳
لرستان	۴۳۹,۸۳	۱۳,۷۸	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۰۷۹۲۷۱	۲,۳۵	۱۶۱۱,۸۸
مازندران	۲۴۲,۹۸	۱۹,۶۵	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۰۱۱۹۴۳	۱,۷۷	۲۲۹,۹۱
مرکزی	۸۶,۵۳	۱۷,۳۳	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۱۷۲۵۵۳	۱,۹۰	۱۳۰,۹۰
هرمزگان	۲۲۷,۵۷	۱۳,۶۲	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۰۸۳۱۰۱	۳,۹۶	۱۱,۹۲
همدان	۴۷۳,۶۳	۱۵,۶۱	۰,۰۴	۰,۰۰۰۰۱۵۳۶۵۷	۱,۴۰	۶۵۱,۲۸
یزد	۴۰۱,۱۷	۲۱,۹۴	۰,۰۲	۰,۰۰۰۰۰۴۷۷۸۸	۱,۹۹	۱۸۱,۱۹
مجموعه	۴۸۸۹۰۲۴,۳۵	۷۲۶۴,۹۴	۰,۰۳	۰,۰۰۰۰۰۰۱۶۹۹۸۱۰	۲۹۹,۸۹	۴۶۲۱۹۰۴۴,۰۷

جدول ۳: ماتریس تصمیم‌گیری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ماتریس تصمیم‌گیری نماگر سرانه سرقت، نسبت صدور چک‌های بلامحل از کل چک‌ها، جمعیت زیرخط فقر، نسبت صادرات خام‌فروشی معادن و منابع طبیعی به کل صادرات، چهار شاخص منفی هستند که روی محاسبه شاخص عدالت اقتصادی اثر مثبت می‌گذارند و باعث می‌شوند در استان‌هایی که این نماگرها بیشترند رعایت عدالت اقتصادی در وضع بهتری نشان

داده شود. جهت جلوگیری از این اشتباه محاسباتی، این چهار نماگر در ماتریس تصمیم‌گیری به صورت معکوس وارد شده است.

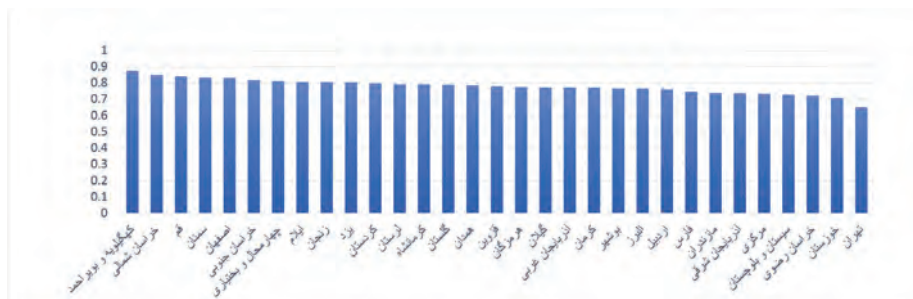
بعد از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری، ماتریس بی‌مقیاس را برای از بین بردن مقیاس‌های متفاوت داده‌ها تشکیل می‌دهیم، زیرا هر کدام از داده‌های آماری که در ماتریس تصمیم‌گیری درج می‌شوند، مقیاس متفاوتی (ریال، نسبت، درصد و...) دارند. بنابراین تشکیل ماتریس بی‌مقیاس ضروری است. بعد از آن، وزن هر شاخص با استفاده از روش AHP مشخص و ماتریس ضرایب تشکیل می‌شود. سپس ماتریس بی‌مقیاس وزین را از ضرب ماتریس بی‌مقیاس و ماتریس ضرایب به دست می‌آوردیم. در ادامه، ماتریس ایدئال مثبت و منفی تشکیل می‌شود که در روش خطی ایدئال مثبت و در هر شاخص مساوی با مقدار حداکثر آن، و ایدئال منفی هر شاخص مساوی با حداقل آن خواهد بود. بعد از به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس وزین از ضرب ماتریس بی‌مقیاس و ماتریس ضرایب، ماتریس ایدئال از مقدار حداکثر و حداقل ماتریس بی‌مقیاس وزین به دست می‌آید؛ یعنی نشانگر مقدار حداقل و حداکثر هر شاخص در ماتریس بی‌مقیاس وزین خواهد بود.

ماتریس ایدئال						
حق مالکیت مشروع	حق مبادله مشروع	حق سهم‌بری عادلانه	حق مبادله نیازمندان در عمومی و خصوصی	حق دسترسی عموم به منابع عمومی	حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی	
تعداد پرونده‌های سرفت	نسبت صدور چک بلامحل به کل چک‌ها	نسبت حداقل دستمزد به په‌په‌وری نیروی کار در هر استان	جمعیت زیر خط فقر	سرانه بودجه عمرانی	ثبت صادرات خام‌فروشی معادن و منابع طبیعی به کل صادرات	
+A	۰٫۰۲	۰٫۰۳	۰٫۰۸	۰٫۱۰	۰٫۱۵	۰٫۱۴
-A	۰٫۰۰	۰٫۰۰	۰٫۰۱	۰٫۰۰	۰٫۰۱	۰٫۰۰

جدول ۴ ماتریس ایدئال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بعد از به دست آوردن ماتریس ایدئال، میزان فاصله تا ایدئال مثبت و منفی با استفاده از فاصله اقلیدسی محاسبه گردید و فاصله هر استان از نقاط مثبت و منفی مشخص شد. همچنین استان‌ها رتبه‌بندی شدند و نماگر ترکیبی به صورت زیر تدوین شده است:



نمودار ۸: شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نماگر ترکیبی عدالت اقتصادی، استان کهگیلویه و بویراحمد رتبه اول را دارد؛ این بدان معنی است که عدالت اقتصادی در این استان بیشتر رعایت می‌شود. بعد از کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی رتبه دوم را کسب کرد و به همین ترتیب قم دارای رتبه سوم از نظر رعایت عدالت اقتصادی گردید. خوزستان و تهران در رتبه‌های آخر قرار دارند و در این استان‌ها به رعایت عدالت اقتصادی به صورت کامل توجه نمی‌شود.

به دلیل مقادیر متفاوت شاخص‌ها در استان‌ها، نتیجه رتبه‌بندی‌ها متفاوت است. در استان تهران سرانه سرقت، نسبت صدور چک‌های بلامحل به کل چک‌ها، جمعیت زیر خط فقر که اثر منفی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی دارند، بالا بوده است. همچنین متغیر سرانه بودجه عمرانی که اثر مثبت بر شاخص عدالت اقتصادی دارد، در تهران کمتر از سایر استان‌ها است. با ترکیب شاخص‌ها و میزان اهمیت و وزن هر شاخص که برگرفته از نظر خبرگان است، این نتایج شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی در استان‌های ایران حاصل شده است. بنابراین با وجود منابع و اعتبارات قابل توجه در استان تهران، به دلیل جمعیت زیاد این استان و تراکم بالای جمعیت در مرکز استان، رتبه شاخص‌های اجتماعی استان در سطح نازلی قرار می‌گیرد و باعث می‌شود در شاخص ترکیبی کل عدالت اقتصادی، استان تهران در رتبه‌های آخر قرار گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عدالت اقتصادی از مهم‌ترین اصل‌های اساسی در اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود و غرض از تشکیل نظام اسلامی برقراری عدالت اقتصادی و اسلامی است. از این رو تحقق و

رعایت عدالت، توسعه و تداوم آن و به بار آوردن انسان‌های عدالت‌خواه مسئولیت حاکمان و حکومت‌های اسلامی است. عدالت اقتصادی در فرایند تصمیم‌گیری بر اساس امور اسلام (سه امر: امر الهی، امر عمومی و امر خصوصی) است که در زمینه تولید، به عدالت در حفظ و گسترش ثروت، یعنی رشد اقتصادی پایدار منجر می‌شود. در این مقاله تلاش شده است تا عدالت اقتصادی بر حسب استان‌های ایران بررسی شود. در این راستا ابتدا مطالعات دیگران بررسی شد و سپس مبانی نظری اندیشمندان در خصوص عدالت اقتصادی و سنجش آن‌ها بررسی گردید. با توجه به نظریات اندیشمندان برای محاسبه عدالت اقتصادی معیارها و شاخص‌هایی معرفی شده است.

برای محاسبه جامع عدالت اقتصادی در استان‌ها از شاخص‌های ترکیبی عدالت اقتصادی استفاده شد. در این محاسبه ابتدا وزن هر یک از مؤلفه‌ها در شاخص کل تعیین گردید. در این تحقیق برای تعیین وزن هر مؤلفه از روش دلفی دومرحله‌ای خبرگان استفاده شد. به این منظور، پرسشنامه‌های تعیین وزن مؤلفه‌ها برای خبرگان ارسال گردید. نتایج جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه حاکی از آن بود که غیر از مؤلفه «سرانه سرقت»، دیگر مؤلفه‌های حقوق اقتصادی امتیاز بالا و نزدیکی را کسب کرده‌اند.

در این اولویت‌بندی مشخص شده است که شاخص حداقل دستمزد به بهره‌وری نیروی کار از ربحان بیشتری برخوردار است و رتبه اول را از آن خود کرده که نشان می‌دهد اگر دولت جمهوری اسلامی ایران مشکلاتی را که در رابطه با دستمزدها وجود دارد حل کند، رعایت عدالت اقتصادی بیشتر خواهد شد. همین‌طور بر اساس نظریه خبرگان، بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها مقام دوم و جمعیت زیر خط فقر مطلق در رتبه سوم قرار گرفت. بر همین اساس، پرونده‌های سرقت در رتبه آخر قرار گرفت. این امر نشان می‌دهد که پرونده‌های سرقت کمترین معضل را دارند و کمتر روی عدالت اقتصادی تأثیر می‌گذارند. بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۶ که از درگاه آمار ایران، سالنامه‌های استان‌ها و بانک مرکزی ایران به دست آمده است، وزن‌دهی شاخص‌ها بر اساس روش سلسله مراتبی AHP صورت گرفت و نماگر ترکیبی با استفاده از روش Topsis در ۳۱ استان ایران انجام شد.

در نتیجه، استان کهگیلویه و بویراحمد رتبه اول را از آن خود کرد و خراسان شمالی رتبه دوم را به خود اختصاص داد. به همین ترتیب، استان تهران در رتبه آخر قرار گرفت. این رتبه‌ها

بیان‌کننده آن است که عدالت اقتصادی در استان کهگیلویه و بویراحمد بهتر مراعات می‌شود، اما در استان تهران عدالت اقتصادی وضعیت خوبی ندارد. با توجه به نقش سیاست‌های دستمزد، اعتبارات مناطق کمترتوسعه‌یافته و سیاست‌های حمایتی از جمعیت زیر خط فقر، دولت‌ها می‌بایست اصلاحات جدی در حمایت از استان‌های کمترتوسعه‌یافته را در دستور کار خود قرار دهند. دولت ایران برای ترمیم، باید به کاهش فاصله طبقاتی میان افراد و توزیع عادلانه درآمد توجه جدی داشته باشد. بدون شک فاصله فاحش بین قشرهای جامعه باعث دوری آنان از همدیگر و بی‌توجهی اغنیا به مشکلات و مسائل مردم می‌شود. این بی‌توجهی‌ها و کاهش درآمد مردم باعث افزایش سرقت، افزایش جمعیت فقیر و تخلفات دیگری مانند صدور چک‌های بلامحل می‌گردد. اگر تمام ثروت در دست یک گروه انبار شود، عده دیگری از مردم دچار محرومیت خواهند شد. از آنجا که وظیفه دولت برقراری عدالت میان اغنیا و محرومان است، دولت باید به توزیع عادلانه درآمد توجهی جدی داشته باشد.

همچنین سازمان برنامه و بودجه می‌بایست در هنگام توزیع اعتبارات بودجه در لویایح سالانه، به استان‌هایی که در شاخص‌های عدالت اقتصادی در رتبه‌های پایینی قرار دارند توجه نماید. همچنین با توجه به نقش سیاست‌های دستمزد، اعتبارات مناطق کمترتوسعه‌یافته و سیاست‌های حمایتی از جمعیت زیر خط فقر در ارتقای شاخص عدالت بین مناطق؛ دولت به‌ویژه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها باید در حمایت از استان‌های کمترتوسعه‌یافته و شهرستان‌های کم‌برخوردار را مدنظر قرار دهند.

پروژه: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. باستانی، علیرضا و رزمی، سید محمد جواد. (۱۳۹۳). «رتبه‌بندی غیرمستقیم استان‌های ایران بر حسب سرمایه اجتماعی». **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۱۴(۵۵)، ۴۵-۷۷.
۳. حاجیان، رضا؛ دلشاد تهرانی، مصطفی و امینی حاج آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه». **پژوهش‌های نهج البلاغه**، ۱۶(۵۵)، ۸۱-۱۰۲.
۴. حسینی، سید رضا. (۱۳۸۷). «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر)». **اقتصاد اسلامی**، ۳۲(۳)، ۵-۳۶.
۵. خاندوزی، سید احسان. (۱۳۹۰). «بازخوانی نظریه‌های عدالت اقتصادی در قرن بیستم». **فصلنامه مجلس و راهبرد**، ۱۸(۶۶)، ۱۰۹-۱۴۶.
۶. دیباجی فروشانی، شکوه و جمشیدی‌ها، غلامرضا. (۱۳۹۴). «مفهوم عدالت از منظر فارابی و ابن خلدون». **نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**، ۵(۹)، ۸۱-۱۰۴.
۷. رجایی، محمدکاظم و معلمی، مهدی. (۱۳۹۰). «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن». **معرفت اقتصاد اسلامی**، ۴(۴)، ۵-۳۰.
۸. رجائی، سید محمدکاظم. (۱۳۹۲). «مفهوم و شاخص‌های عدالت اقتصادی». **معرفت اقتصاد اسلامی**، ۹(۹)، ۸۰-۱۰۵.
۹. رسمتی، محمدزمان. (۱۳۸۴). «عدالت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی». **جستارهای اقتصادی**، ۴(۴)، ۱۱۳-۱۳۶.
۱۰. سیدنورانی، سید محمدرضا و خاندوزی، سید احسان. (۱۳۹۱). «مبانی نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام». **جستارهای اقتصادی**، ۱۷(۱۷)، ۳۱-۵۸.
۱۱. سیدنورانی، سید محمدرضا و خاندوزی، سید احسان. (۱۳۹۴). «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران». **فصلنامه مجلس و راهبرد**، ۲۳(۸۵)، ۵۷-۸۴.
۱۲. شاکری، عباس؛ مؤمنی، فرشاد؛ علی‌زاده، امیرخادم و مخزن موسوی، سید هادی. (۱۳۹۸). «سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی در ایران». **جستارهای اقتصادی ایران**، ۳۱(۳۱)، ۹-۴۰.
۱۳. شاکری، عباس؛ مؤمنی، فرشاد؛ خادم عزیززاده، امیر و مخزن موسوی، سید هادی. (۱۳۹۸). «درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی». **اقتصاد اسلامی**، ۷۴(۷۴)، ۵-۳۳.
۱۴. عبدالملکی، حجت‌الله؛ زاهدی‌وفا، محمدهادی و گلدوزها، مهدی. (۱۳۹۱). «مزیت‌سنجی طبیعی (عدالت محور) در برابر مزیت‌سنجی اقتصادی متعارف؛ کاربرد معیارهای عدالت اقتصادی جغرافیایی در برنامه‌ریزی توسعه بخشی-فضایی؛ مطالعه موردی: تعیین مزیت‌های تولیدی استان‌های کشور». **پژوهش‌های مطالعات اقتصاد اسلامی**، ۵(۱)، ۱۰۳-۱۳۹.
۱۵. عیوضلو، حسین و کریمی ریزی، مجید. (۱۳۹۴). «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در

- نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان». پژوهش‌های مطالعات اقتصاد اسلامی، (۱)، ۱۲۱-۱۴۶.
۱۶. عیوضلو، حسین. (۱۳۸۴). عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳). عدل الهی. تهران: صدرا.
۱۸. معمار، ثریا. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی(ع)». شیعه‌شناسی، (۴۷)، ۴۷-۷۸.
۱۹. آفانظری، حسن. (۱۳۸۳). «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام». اقتصاد اسلامی، ۴(۱۴)، ۴.
20. Atkinson, A. B. (2003). "Multidimensional Deprivation: Contrasting Social Welfare and Counting Approaches". *Journal of Economic Inequality*, 1(1).
21. Enste, D. H., & Wies, J. (2013). *International Justice Monitor 2013: A comparison of 28 countries for the years 2000 to 2012 across six justice dimensions*. Köln.
22. Merkel, W., & Giebler, H. (2014). "Measuring Social Justice and Sustainable Governance in the OECD". In Theory and Practice of the Welfare State in Europe in 20th Century. *HISTORICKY USTAV*.
23. Okoli, C., & Pawlowski, S. D. (2004). "The Delphi Method as a Research Tool: an Example, Design Considerations and Applications". *Information and Management*, 42.
24. Schraad-Tischler, D., Schiller, C. M., Heller, S. M., & Siemer, N. (2017). Social Justice in the EU Index Report 2017. *Germany: Social Inclusion Monitor Europe*, Bertelsmann Stiftung.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی